



پای صحبت چند جوان تحصیلکرده که کار را عار نمی‌دانند

## سبزی سراراه انداختیم و کارمان گرفت

■ مریم ترابی

در حال خواندن خبرهای روز هستم که خبر ناراحت‌کننده‌ای نظرم را به خودش جلب می‌کند. ۷۵ درصد قشر بیکار جامعه را تحصیلکرده‌ها تشکیل می‌دهند. وقتی به نسل جوان بیکار جامعه خود نگاه می‌کنم که با تحصیلات دانشگاهی کاری برای انجام دادن ندارند غم بزرگی تمام وجودم را فرامی‌گیرد، ولی وقتی می‌بینم بعضی از همین جوانان تحصیلکرده حاضر هستند برای اینکه بیکار نباشند و روی پای خود بایستند کارهای به

■ آرش ۲۴ ساله، فارغ‌التحصیل فناوری اطلاعات

بازار یاب شدم و ۱۰ نفر دیگر را شاغل کردم

برای مدرکم هیچ کسی تره خرد نکرد. نه سرمایه برای شروع کاری داشتم و نه پارتی و آشنایی که بتوانم در شرکتی خصوصی یا سازمانی دولتی استخدام شوم. در یکی از شرکت‌های توزیع کالا به عنوان بازار یاب مشغول کار شدم. این شرکت تولیدی کار جالبی انجام می‌دهد. برای اینکه انواع و اقسام اجناس تولید داخلی را از شیر مرغ گریختن تا جان آدمیزاد(بهرتر و گسترده‌تر به فروش برساند از نیروی جوان در قسمت بازاریابی و فروش استفاده می‌کند. اگر من بتوانم اجناس بیشتری بفروشم درآمد بیشتری عایدم می‌شود و اگر بتوانم در کنار این فروش افرادی را هم به این مجموعه برای بازاریابی و فروش معرفی کنم باز هم درآمد بیشتری می‌شود. تا به حال ۱۰ نفر از دوستانم را به این مجموعه وارد کرده‌ام و آنها خیلی راضی هستند. درآمد خوبی دارم و زندگی راحت بدون دغدغه‌ای را می‌گذرانم. روزهای اولی که وارد این کار شدم حال خوبی نداشتم چون کاری را انجام می‌دادم که نه در حوزه تخصصی من بود و نه پرسنیز بالایای داشتم. کم‌کم با خودم کنار آمدم و این موضوع را در خودم حل کردم کم باید برای گذران زندگی کار و تلاش کنم و پول در بیاورم. حالا به این نتیجه رسیده‌ام که می‌توانم این مجموعه را به تنهایی بکلاس نیست، بلکه من با فروش هرچه بیشتر اجناس تولید شده در داخل کشور باعث می‌شوم خط تولید کارخانه‌ها را رونق بیشتری کار کند و کارگران و کارمندان بیشتری می‌توانند امورات خود را بگذرانند. در نتیجه سود تولید و فروش به چرخه اقتصاد جامعه

### سبک حمایت

واردکننده‌های دپروز

و تولیدکننده‌های امروزی می‌گویند

■ کسری محمدیان

به تماشای یکی از فیلم‌هایی که تازه‌هاکران شده فته‌بومد. روایت فیلم حول و حوش تولیدی و پلاسکو می‌چرخد. در قسمتی از فیلم، یکی از بازیگرهای فیلم دیالوگی می‌گوید که بسیار تلخ و دردناک است. او می‌گوید: «ما خیلی وقته که زیر آوار پلاسکو دفن شدیم. وقتی تولید وطنی رو نتوانستیم برای شنیدن وجود ندارد و مصرف‌کننده ما مردمیم. وقتی مجبور شدیم تولید داخل رو با انیتک ترک وارد بازار کنیم ما مردمی!» آیا یکی از واقعیت‌های تلخ و گزنده صنعت و تولید کشور است. خیلی وقت است تولید تولید زیر آوار هجوم واردات خارجی حبس می‌شود. چگونه می‌توان از کالای ایرانی حمایت کرد وقتی بازار مصرف کشور، پر از کالاهای چینی و برندهای اروپایی و ترک شده است. وقتی چشم و نگاه مصرف‌کننده ایرانی پر شده از برندهای خارجی، دیگر اعتماد به تولیدات داخلی ندارد. حتی وقتی زبان به زبان می‌چرخد که فلان برند ترک تولید داخل است و فقط با اسم این برند به خورد مصرف‌کننده داده می‌شود باز هم گویا گوسنی برای شنیدن وجود ندارد و مصرف‌کننده داخلی باور دارد یک برند خارجی را می‌خرد. حال که در چنین شرایطی، مسئولان به فکر حمایت از تولید داخلی افتاده‌اند چه خوب است در پاسخ عملی به نامگذاری اسمال، حرکت‌های خوبی در بدنه دولت و مردم اتفاق بیفتند. اتفاقاتی مشابه آنچه در ادامه می‌خوانید. ■ ■ ■

■ باافتخار، تولید ملی

در فروشگاه بزرگ یکی از برندهای ترک در یکی از پاساژهای بزرگ و معروف شهرمان در حال قدم زدن بودم که چشمم به عنوان جالبی بر خورد. روی تعداد زیادی از رگال‌های لباس این عنوان زده شده بود: «با کیفیت بپزند... با افتخار، تولید داخلی» چه جسامتی! یعنی تمام لباس‌های این قسمت تولید کشور خودمان است. چند وقتی بود که زمزمه‌هایی به گوشم می‌خورد که این برند ترک هم اجناسش در ایران تولید می‌شود. انگار ایمن زمزمه‌ها واقعیت داشتند و مسئولان واردکننده این برند هم در

## سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

### سبک تربیت



### برای فرزندانمان از «سر» ما به بگذاریم کوچولوهای زحمتکش خانه سازندگان فردای جامعه

■ حسین گل‌محمدی

از هر کودک یا نوجوانی که بپرسید دوست دارید در آینده چه کاره شوید تقریباً همه دوست دارند دکتر، خلبان یا مهندس شوند. همه والدین هم دوست دارند فرزندانشان آینده‌ای درخشان داشته باشند. آینده‌ای که در آن شغل مهم، اسم و رسم‌دار و خلاصه پر درآمدی داشته باشند اما این را نمی‌دانند که آینده درخشان فرزندانشان در گرو تربیت صحیح آنها در کودکی است. مهندس و دکتری که نتوانند از پس ساده‌ترین کار خود بر آید چطور می‌توانند فرد موفق باشند؟ پس برای داشتن فرزندان موفق باید آنها را مسئولیت‌پذیر تربیت کنیم. به آنها یاد دهیم که هیچ کاری عار نیست و آنها را برای روزهای سخت زندگی تربیت کنیم. به آنها یاد دهیم که چگونه با شرایط سخت کنار آمده و از پس مشکلات خود بر آیدند. البته ۵۰ درصد از تربیت فرزندان مسئولیت‌پذیر به رفتار ما والدین مربوط می‌شود. اگر ما افرادی مسئولیت‌پذیر باشیم قطعاً فرزندان ما هم با دیدن رفتارهایمان مسئولیت‌پذیر بار خواهند آمد.

■ بچه‌ها باید گلیم خود را از آب بیرون بکشند

متأسفانه در بسیاری از خانواده‌های ایرانی فرزندانسالاری حاکم است و فرزندان برای والدین تعیین تکلیف می‌کنند. اینچنین سرمایه‌های بزرگ تحویل جامعه‌دهیم. در واقع اگر می‌خواهیم فرزندان «سرمایه‌داری» داشته باشیم، بی‌تعارف باید برای آنها از «سر» مایه بگذاریم. برای این کار نیازی نیست که پول زیادی داشته باشیم، چون همانطور که در اطرافمان دیده‌ایم اکثر فرزندان آدم‌های سرمایه‌دار، مدیران خوبی برای میراث‌هایشان نمی‌شوند. همچنین ضروری نیست که لزوماً فرزندانمان را مسدوم از این کلاس به آن کلاس روانه کنیم. تنها کاری که باید انجام دهیم این است که از آنها بخواهیم همه کار یاد بگیرند و از کار و تلاش عار نداشته باشند. تصور غالب جامعه در سرمایه‌دار این است که این افراد به سرمایه‌های خود را از راه دزدی و اختلاس و منطقی و همینطور در معادلات واقعی زندگی، بزرگ‌ترین تورم‌زدان و «سرمایه‌داران» دنیا، کسانی بوده هستند که برای رسیدن به این مرتبه کار کرده‌اند، آن هم کارهای مختلف در مراتب اجتماعی مختلفه. به عبارت دیگر این گروه کسانی هستند که از انجام هیچ کار مفید و مؤثری عار نداشته‌اند و «سرشان» را مایه کار و زندگی‌شان قرار داده‌اند. این مهم‌ترین راز «سرمایه‌داران» واقعی است.

■ چه کسی گفته است کار نیست!؟

قبول داریم که شرایط کار در جامعه فعلی بسیار سخت و دشوار شده است ولی اگر فرزندان ما به شغل‌های اداری و پشت میز نشینی فکر می‌کنند و مرتب دنبال شغل‌هایی از این دست هستند مقصر اصلی، ما والدین هستیم. خب ما انسان‌های سرمایه‌داری نیستیم که پول و سرمایه‌داری اختیار فرزندانمان قرار دهیم تا کار و حرفه‌های راه بیندازند، ولی مقدمات این موضوع را هم برای آنها فراهم نکرده‌ایم، یعنی اینکه به فرزندانمان از کودکی یاد نداده‌ایم که اهل کار باشند نه از زیر کار در رو. برای کار کردن برنامه داشته باشند، فکر داشته باشند، پشتکار و عزت نفس داشته باشند، اهل عرق ریختن باشند و چون چنین نشده است، رؤیای پشت میز نشینی در ذهن فرزندانمان شکل گرفته است. اما چه کنیم که این اتفاق نیفتد. اول فکر خودمان را نسبت به کار عوض کنیم. هیچ وقت آرزوی پشت میز نشینی برای فرزندانمان نداشته باشیم. به این فکر کنیم که چطور فرزندانمان را زرنگ و پرکار تربیت کنیم. به فرزندان یاد دهیم که رسم کار مهم‌تر از اسم کار است. کاری که برای او و جامعه مفید باشد کار با ارزشی است. درباره افراد تحصیلکرده که بیشتر کودکان خودشان در سنین پایین انجام می‌دهند، مثل مسواک زدن، شستن دست‌ها و لباس پوشیدن. برخی از والدین انجام این وظایف را کافی می‌دانند اما باید به کودکان وظایفی درباره کارهای خانه نیز محول کرد تا علاوه بر مسئولیت‌پذیری شخصی و خانوادگی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نیز بیاموزند و در مقابل دیگران احساس مسئولیت داشته باشند.

تحقیقات نشان داده است کودکانی که در کارهای خانه کمک می‌کنند، در مقایسه با کودکانی که فقط از خودشان مراقبت می‌کنند، در سایر موقعیت‌ها هم بیشتر به خانواده کمک می‌کنند. به طور کلی می‌توان دو نوع مسئولیت‌پذیری برای کودکان مشخص کرد؛ مسئولیت‌پذیری شخصی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی. مسئولیت‌پذیری شخصی و خانوادگی، وظایف شخصی اولیه‌ای هستند که بیشتر کودکان خودشان در سنین پایین انجام می‌دهند، مثل مسواک زدن، شستن دست‌ها و لباس پوشیدن. برخی از والدین انجام این وظایف را کافی می‌دانند اما باید به کودکان وظایفی درباره کارهای خانه نیز محول کرد تا علاوه بر مسئولیت‌پذیری شخصی و خانوادگی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را نیز بیاموزند و در مقابل دیگران احساس مسئولیت داشته باشند.

از اینکه فرزندان ما کارهای کوچک خانه را انجام دهند اصلاً ناراحت نباشیم. اجازه دهیم کارهایی که مناسب سن و شرایط جسمی آنهاست را انجام دهند. مثلاً از اینکه فرزند یا فرزندانمان سرویس‌های بهداشتی خانه را بشویند اصلاً ناراحت نشویم. اجازه دهیم نخ و سوزن به

چند ماهی است همراه خانواده و چند جوان دیگر یک سبزی پاک کرده و سرخ کرده و همه جور سبزی شده دست مردم می‌دهم. و بسته‌بندی شده دست مردم می‌دهم. ابتدای کار خیلی سخت بود اما اکنون بعد از گذشت چند ماه از کار آفرینی که انجام داده‌ام خرسندم و به خاطر گسترش کار مجبور به استخدام چند نفر هم شده‌ام

و به چند خانوار رزق و روزی می‌رسانم



بیکاری در واقع شاهراه اصلی معضلات و ناهنجاری‌های اجتماعی است و حل آن بسیاری از مشکلات اجتماعی، روانی و اقتصادی جامعه را برطرف می‌کند. اینطور که از شواهد بر می‌آید همه دست روی دست گذاشته‌اند تا شاید این مشکل به خودی خود حل شود! اما آیا این مشکل می‌تواند خودش را حل کند؟ بسیاری از جوانان تحصیلکرده که نتوانسته‌اند متناسب با رشته تحصیلی خود کاری پیدا کنند آستین‌ها را بالا زده و برای خودشان و دیگران کار آفرینی کرده‌اند.

■ آرزو ۳۰ ساله، لیسانس حسابداری

سبزی سرارهم بالاخره کار است دیگر!

خسته شدم از اینکه چهار، پنج سال از عمرم را دنبال کار گشتم و نهایتاً نتوانستم هر بار چند ماه در این شرکت و آن شرکت با حقوقی بخور و نمیر کار کنم. بالاخره کلاس و پرستیز را کنار گذاشتم و چند ماهی است همراه خانواده و چند جوان دیگر یک سبزی سراراه انداخته‌ام و همه جور سبزی پاک کرده و سرخ کرده و بسته‌بندی شده دست مردم می‌دهم. ابتدای کار خیلی سخت بود اما اکنون بعد از گذشت چند ماه از کار آفرینی که انجام داده‌ام خرسندم و به خاطر گسترش کار مجبور به استخدام چند نفر هم شده‌ام و به چند خانوار رزق و روزی می‌رسانم. بدون شک همه انسان‌ها به پرستیز شغلی خود بسیار اهمیت می‌دهند. این یک خصلت بازر در وجود همه افراد است. همه دوست دارند آنها را به عنوان کار می‌دهند در رده اجتماعی خوبی باشد اما نباید این را فراموش کنیم که انجام هر کاری تجربه‌ای برای انسان به همراه دارد. باید بدانیم که هیچ کاری عیب و عار نیست و اگر آن را در جهت کسب تجربه بدانیم خیلی راحت‌تر می‌توانیم با آن کنار بیاییم و مشکلی بریمان ایجاد نمی‌شود. هر کلمه‌ای ما می‌توانیم در هر کار و شغلی که هستیم آن را با رفتار و نحوه برخورد خود با مخاطبان یا مشتری‌های خود با کلاس و با پرستیز به همه نشان دهیم. اگر با همه مهربان باشیم، همیشه لیخند زبیم، کار خود را به نحو احسن انجام دهیم و خوش‌پوش و خوش لباس باشیم، به وقت و زمان بسیار اهمیت بدهیم. و قطعاً همه به اینکه ما کار خود را بسیار خوب بلد هستیم ایمان می‌آورند. پس هیچ کاری بی کلاس نیست.

## اگر حمایت باشد تولید جای واردات را می‌گیرد



در بازار لوکس فروشی ایران دست‌رنج زبیا و بی نظیر ایرانی را با عنوان کریستال کشور چک خریداری می‌کنیم، در حالی که تمام آن تراشه‌های زبیا کار هموطنان ماست، لذا حمایت از کالای ایرانی نیاز به فرهنگ‌سازی بسیاری دارد

برای چشم‌های مردم به روی واقعیت باز شود. اگر مردم رقابت‌های غلط خود را کنار بگذارند و جلوی این دروغ بزرگ بایستند و اجازه ندهند جنس با کیفیت ایرانی تحت عنوان خارجی فروخته شود گام بزرگی برداشته خواهد شد. به عنوان مثال همه دنیا می‌دانند که ظروف کریستال ایرانی با تراشه‌های بی‌ظنیرش در دنیا حرف اول را می‌زند. در حالی که ما در بازار لوکس فروشی ایران دست‌رنج زبیا و بی نظیر ایرانی را با عنوان کریستال کشور چک خریداری می‌کنیم، در حالی که تمام آن تراشه‌های زبیا کار هموطنان ماست، لذا حمایت از کالای ایرانی نیاز به فرهنگ‌سازی